

چشم انداز توسعه در تعالیم زرتشت

دکتر حسین رحیمی^۱ و جواد مومنی^۲

چکیده

شناسایی اندیشه ها، عقاید و الگوهای رفتاری اقوام مختلفی که طی ادوار تاریخ می زیسته اند، می تواند راهنمای خوبی برای ما و آیندگان باشد، زیرا هویت هر قوم، سرچشمه معنا و تجربه ای عظیم به شمار می آید. بر این مبنا یکی از ادیان که جوهره اصلی ما ایرانیان در آن دوران نهاده شده، دین زرتشت است این دین به تناسب تاریخ و جغرافیای خود تعالیمی را در خصوص ابعاد مختلف توسعه پایدار یعنی، بعد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و محیط زیست به یادگار گذاشته است.

اکنون برنامه ریزان توسعه به این نتیجه رسیده اند که «انسان» در کانون توسعه جای دارد و «اخلاقیات»، مهمترین عامل در رسیدن جوامع به توسعه پایدار است، حال آنکه زرتشت، هزاران سال قبل بر این نکته انگشت گذاشته و بیان می دارد که تنها، اعمال، گفتار و اندیشه های نیک و متعالی است که می تواند جوابگوی نیازمندیهای اخلاق بوده و زندگی انسان ها را متعالی سازد. بررسی تعالیم زرتشت و انطباق آنها با اصول و الزامات توسعه و توسعه پایدار که واژه مصطلح دوران اخیر است، حاکی از آنست که تعالیم وی، عالی ترین و پخته ترین شیوه فرهنگ اخلاقی است که در تمامی دورانها می تواند زندگی بشر را متعادل و او را به سوی توسعه ای پایدار رهنمون کند.

واژگان کلیدی

دین زرتشت، توسعه پایدار، گفتار و اندیشه های نیک، چشم انداز توسعه

۱- استادیار دانشگاه پیام نور

۲- کارشناس ارشد جامعه شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور

مقدمه

زرتشت، پیامبر باستانی ایرانیان، کسی است که آیین خود را بر اصول انسانی و اخلاقی بنیاد نهاد است. امروزه، پس از گذشت چندین هزار سال از دوران وی می توان از طریق آثار بجامانده از آن دوران، به شکوه و عظمت تفکر زرتشت پی برد. در حالی که برنامه ریزان توسعه، اکنون به این نتیجه رسیده اند که اخلاقیات، مهمترین عامل در توسعه پایدار جوامع است. زرتشت هزاران سال قبل بر این نکته انگشت گذاشته است. وی هدف اخلاقی را عالی ترین و مهمترین هدف زندگی قرار داده و با صراحت تمام به بشر اعلام نموده است که تنها، اعمال، گفتار و اندیشه های نیک و متعالی است که می تواند جوابگوی نیازمندی های اخلاق باشد و زندگی انسان ها را متعالی سازد. در دین زرتشت هر عملی که زمین را زیباتر، نیکی را نیرومندتر، بدی و ناراستی و شر را ضعیف تر می کند، پیروزی شناخته می شود. این پیامبر باستانی، همواره از روابط اساسی انسان با این جهان اسرارآمیز، تکالیف، وظایف و سرنوشت او گفتگو به میان آورده و نشان می دهد که برای غلبه برمشکلات زندگی چه روشی را باید در پیش گرفت. وی معتقد است که جهان، کامل نبوده بلکه به سوی کمال در حرکت است و انسان که خود را اشرف مخلوقات می داند بایستی در به کمال رسانیدن جهان کوشش نماید. زرتشت، دین را از صورت سحر و جادو و اجرای مراسم ظاهری و اعتقادات خرافی و موهومات (چیزی که امروزه دین شرک آلود و افیون توده شناخته می شود) رهایی بخشیده و آن را برپایه محکم اخلاقیات استوار کرده و انسان را خالق سرنوشت راستین خود می داند.

در این مقاله پس از تعریف توسعه و توسعه پایدار، اصول و اهداف آن، به بررسی گوشه ای از تعالیم زرتشت در خصوص این مقولات می پردازیم. تحقیق از نوع توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه ای می باشد. نتیجه حاکی از آنست که به کارگیری بسیاری از آموزه ها و تعالیم زرتشت پس از گذشت چندین هزارسال، هنوز جامع بوده و در امر توسعه پایدار جوامع بشری مهم می نماید.

ضرورت تحقیق

از آنجا که هویت هر قوم، سرچشمه معنا و تجربه ای عظیم برای مردمان است؛ بر این اساس، شناسایی عقاید و الگوهای رفتاری مناسبی که اقوام مختلف، طی ادوار تاریخ، از خود به یادگار گذاشته اند می تواند مانند مشعلی فروزان، راهنمای ما و آیندگان باشد. یکی از ادیانی که جوهره اصلی ما ایرانیان را شکل داده و در واقع، هویت راستین ما در آن دوران نهاده شده است، دین زرتشت است؛ دینی که تاریخی بسیار طولانی داشته و به اظهار مورخان سرشناس جهان، قریب به پنج هزار سال پیش از میلاد، اقوامی که در فلات ایران زندگی می کرده اند از تمدن و فرهنگ نسبتاً پیش رفته ای بهره مند بوده که مهم ترین جلوه آن تمدن، دین زرتشت است. براین مبنا، شناسایی خویشتن خویش، جهت بازساخت مادی و معنوی، لازم و ضروری می نماید.

هر دینی به تناسب تاریخ و جغرافیای خود، تعالیمی را در خصوص مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، محیط زیست و ... بیان داشته است. براین اساس، لازم می نماید با ژرف اندیشی در تعالیم و آموزه های ادیان مختلف، دستورات مطلوب، معقول و قابل اجرای آنها را انتخاب و الگوی رفتار خود قرار دهیم. پس از گذشت هزاران سال از تاریخ ادیان متفاوت در کره زمین و به رغم ادعاهای واهی انسان معاصر که خود را پیشرفته تر و متمدن تر از قدما معرفی می نماید، متأسفانه باید اذعان داشت که بشر کنونی دچار مسائل و مشکلات فراوانی شده است. مشکلات حادی چون بحران هویت و از خودبیگانگی، دوری از اخلاق و معنویت، ناامیدی، فقر، آلودگی، جنگ و خون ریزی و از همه مهمتر، تخریب بسیار زیاد محیط زیست سیاره زمین به عنوان سکونتگاه مشترک تمامی انسان ها، از جمله مسائل و مشکلات انسان معاصر است؛ انسانی که خود را خردمند تر و متمدن تر از نسل های گذشته می داند اما چندان خرد ندارد که راه را بر نابودی خویش ببندد! بنابراین لازم است بشر به خویشتن خویش باز گشته و برای نجات بشریت، تعالیم و آموزه های ارزشمند قدما را چراغ راه خویش قرار دهد. در خصوص تعالیم و اندیشه های زرتشت به عنوان اولین پیامبر ایرانیان، تاکنون مطالب زیادی به چاپ رسیده است اما در خصوص نگرش این دین در رابطه با توسعه و توسعه پایدار در کشور ما تحقیقی صورت

نگرفته است. براین مبنا در این نوشتار پس از تعاریف، اصول و اهداف توسعه و توسعه پایدار، به بررسی دیدگاه و تعالیم دین زرتشت در این رابطه می پردازیم.

کلیاتی راجع به زندگانی زرتشت

در باره مولد زرتشت پیامبر ایرانیان اختلاف نظر است چنانکه «بعضی ری را مولد او دانسته اند و بعضی از مورخان او را به آذربایجان و عده ای به خوارزم و مرو و هرات انتساب داده اند. در سنت زرتشتیان، وی از مغرب ایران است و گروهی از محققان هم همین نظر را اختیار کرده اند ولی غالب محققان، باتوجه به تحقیقات جدید، بلخ را منشاء زرتشت می دانند. [زرتشت] در حدود ۶۶۰ قبل از میلاد به دنیا آمد؛ در بیست سالگی (۶۴۰ ق.م.) گوشه گیری اختیار کرد؛ در سی سالگی (۶۳۰ ق.م.) به پیامبری مبعوث شد؛ در چهل و دو سالگی (۶۱۰ ق.م.) کی گشتاسب را پیرو آیین خود کرد، در ۵۸۳ ق. م به سن هفتاد و دو سالگی به هنگام هجوم لشکریان ارجاسب تورانی، در یک آتشکده بلخ کشته شد. امروزه نیز غالب محققان، تولد زرتشت را حدود ۶۳۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد می دانند.»^۱

آنچه مهم است این است که زرتشت در دوره ای و در سرزمینی به اشاعه تعالیم خود می پردازد که هنوز در میان مردم آن دوره و آن سرزمین، راهزنی، صحرانگری و خرافات متداول بوده و خرافات و جهل به اوج خود رسیده بود. در چنین برهه ای از تاریخ است که زرتشت، تعالیم بسیار آموزنده و مترقی خود را در میان مردم خرافی و نادان رواج می دهد. تعالیمی که پس از گذشت هزاران سال هنوز نافذ بوده و حکایت از ظرافت، نکته سنجی، تیزهوشی و جامعیت گوینده آن دارد. بررسی گوشه هایی از تعالیم این پیامبر باستانی و انطباق آن با ارکان توسعه پایدار در حال حاضر، گویای این واقعیت است که تعالیم زرتشت می تواند بسان چراغ فروزانی در تمامی دوران، راهنما و راهگشای بشریت باشد.

معنی و مفهوم توسعه پایدار

توسعه (Development) واژه ای است که همزاد بشر بوده اما بعد از جنگ دوم جهانی، بسیار متداول شده است. افراد مختلفی از توسعه تعریف ارائه کرده اند چنانکه «از نظر شومپتر (Shompeter) توسعه عبارتست از تغییرات مداوم و خود به خودی در کشورهای در حال توسعه که بعد از استقلال سیاسی، تعادل اقتصادی موجود را از دست داده اند.»^۱

روبین اتفیلد (Robin Attfield) و بری ویکنز (Barry Wilkins) در تعریف توسعه می گوید: «توسعه فرایندی جامع از فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدفش بهبود مداوم زندگی تمام جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت و توزیع عادلانه منابع از ارکان اساسی آن به شمار می آید.»^۲

بالاخره، گوستاواستوا (Gustave Esteva) فرآیند توسعه را نبرد دائمی بین طرفداران و قربانیان آن می خواند و اظهار می دارد: «بقای انسان ها بر فرض استوار بودن حیات و زندگی آدمیان استوار است، [او معتقد است] بایستی تقدس مفهوم توسعه به دور انداخته شود زیرا بقای بشریت و طبیعت را به مخاطره افکنده است.»^۳

به دنبال ناموزونی در توسعه کشورهای و ایجاد مسائل و مشکلات فراوان از جمله فقر، نابودی منابع طبیعی کره زمین و آلودگی های متعدد زیست محیطی به دلیل خلاصه کردن توسعه در بعد اقتصادی و غفلت از سایر ارکان آن از جمله فرهنگ و محیط زیست، در دهه های آخر قرن بیستم، واژه ای جامعتر تحت عنوان توسعه پایدار (Sustainable Development) مطرح شد. این واژه در واقع عنصر اصلی راهکار ۲۱ است؛ سند چهل فصلی که به سال ۱۹۹۲ در نشست سران کشورهای جهان در ریودوژانیرو مورد پذیرش کشورها قرار گرفت. همانند توسعه، از توسعه پایدار نیز تعاریف متعددی به عمل آمده و برای آن، ارکان و الزاماتی در نظر گرفته شده است، چنانکه:

۱- قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، ص ۱

2 - Robin Attfield and Wilkins Barry, International Justice and the third world, P 94

3 - Esteva Gustave, Remarks made at a conference of ... P 407

روبرت الن (Robert Allen) در کتاب «نحوه نجات زمین» در سال ۱۹۸۰ می گوید: «توسعه پایدار، توسعه ای است که در آن تأمین دائمی نیازهای اساسی و رضایت مندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی حاصل آید... جی کومر (J. Commer) در کتاب «جستجوی جامعه پایدار» در سال ۱۹۷۹ در تعریف توسعه می گوید: توسعه پایدار، پیشنهادهاتی است که در دروس اکولوژی می تواند مطرح شود و بایستی در فرایندهای اقتصادی مدنظر باشد... کمسیون برانت لند (Brunt Land Commission)، توسعه پایدار را توسعه ای تعریف می کند که در آن نیازهای نسل کنونی بدون کاهش توانایی های نسل های آتی در برآوردن نیازهایشان برآورده شود.»^۱

با توجه به تعاریف مربوط به توسعه و خصوصاً توسعه پایدار، ملاحظه می شود که تأمین حداقل نیازهای اساسی برای همگان، نگهداری، همبستگی و انسجام اکولوژیک، یکپارچگی حفاظت محیطی و امر توسعه، سازگاری و همبستگی متقابل میان کشورهای ثروتمند و فقیر، تأکید بر تمامی نسل ها، درون نسل ها و بین گونه ها، تأکید بر بکارگیری علم در حل مسائل مربوط به جوامع و اخلاقیات توسعه از اموری هستند که جهت رسیدن به توسعه پایدار بایستی مدنظر قرار گیرند.

توسعه پایدار، مقوله ای جامع است؛ بر این اساس دارای ابعاد متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و محیطی است که در راه رسیدن به آن بایستی به صورت پیوسته، تمامی این ابعاد مدنظر قرار گیرد. براین مبنا به بررسی تعالیم و اندیشه های زرتشت در ابعاد مختلف توسعه پایدار می پردازیم.

تعالیم زرتشت در بعد فرهنگی - اجتماعی توسعه

بعد فرهنگی و اجتماعی توسعه به عنوان یکی از بنیانی ترین عوامل توسعه پایدار محسوب می شود. فرهنگ به عنوان موتور محرکه جوامع انسانی بازتابی از اسرار و اندیشه های روح آدمی است. هر فرهنگی، رهیافت مردم را در تطابق با محیط نشان می دهد. این رهیافت ها در بلند مدت به دگرگونی های اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی پاسخ

می دهند؛ آنها که پاسخ مناسب ندهند، بعید است که گسترش یابند و مورد الگوبرداری جوامع دیگر قرار گیرند.

در بعد فرهنگی توسعه، هدف فرهنگ، تضمین فراگیری دانش، دسترسی به آثار هنری، حق برخورداری از امکانات ارتباطی و بهبود کیفیت زندگی است. مبادله برنامه های فرهنگی و پرسنل آموزشی، همچنین آشنایی جوانان جوامع مختلف با یکدیگر، آگاهی جامعه نسبت به وحدت نوع بشر را افزایش می دهد و سبب محافظت بهتر از میراثی می شود که از گذشتگان به ما به ارث رسیده است.

بعد فرهنگی توسعه، یکی از هدف هایی است که تنها از طریق تقویت مناسبات بین آموزش، فرهنگ، علوم و ارتباطات با محیط زیست، می توان آن را به طور کامل تحقق بخشید. با توجه به مفهوم فرهنگ و توسعه فرهنگی و نقشی که این مقوله در توسعه پایدار جوامع دارد، به بررسی گوشه هایی از تعالیم زرتشت در این بعد می پردازیم.

آزادی و اختیار

یکی از اصول بنیانی دین زرتشت، اعتقاد به مختار بودن انسان در افعال خویش است. زرتشتیان معتقدند که انسان در اراده خود آزاد می باشد؛ چنانکه در گائاهای یا سرودهای آسمانی زرتشت می خوانیم:

«پروردگارا! کسی که اندیشه اش نیک یا بد (۱) باشد، کردار و گفتار و وجدان او نیز به نیکی یا بدی خواهد گرایید. راهی که اندیشه به آزادی اختیار کند، اراده و ایمان نیز از آن پیروی خواهد کرد....»

ای مردم! بهترین سخنان را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه روشن و ژرف و ژرف بینی آنها را بررسی کنید. هر مرد و زن، راه نیک و بد را شخصاً برگزینید.^۱

«در دین زرتشت، آزادی اراده مطرح است. به عبارتی دیگر از نظر زرتشت، خداوند انسان را آزاد و مختار آفریده و برای انسان هیچ نوع جبر و تقدیری وجود ندارد. انسان مختار است میان اندیشه نیک و بد یکی را انتخاب کند.»^۲

۱- آذر گشسب، فیروز، گائاهای یا سرودهای آسمان اشو زرتشت، صص ۲۸-۳۶

۲- آریا، غلامعلی، آشنایی با تاریخ ایران، ص ۹۲

«... سرنوشت [بشر] خود به اختیار اوست و می تواند از دو راه خوبی و بدی هرکدام را بخواهد اختیار کند. در این جهان، دو سپاه پیوسته به جنگ و پیکار مشغولند. یکی نور و روشنایی و دیگری لشکر ظلمت و تاریکی. تکلیف هر فرد آدمی آنست که یکی از دو لشکر را اختیار کرده در صف آن قرار گیرد و به اندازه عمل خود از نیک و بد پاداش یا کیفر یابد. ... زرتشت، اصلی بسیار عالی و قاعده ای بسیار لطیف در دین خود برقرار کرده می گوید: راستی ریشه همه سعادت ها و خیر است و دروغ ریشه تمام شرها و باعث هلاکت است. انسان در سه چیز باید راستی پیشه کند: در منش، گویش و روش.»^۱

«... ایرانیان هیچگاه فرهنگ خویش را به دیگران تحمیل نکردند؛ و گواه آن همین است که دین زرتشتی از ایران به دیگر کشورها نرفت و کوروش در اعلامیه بابل، همه جا به جای نام اهورا مزدا، نام مردوک را که خدای بزرگ آنان بود، آورده است و نیز داریوش در مصر در برابر گاو آپیس زانو زده با آنکه نیاکان کوروش و داریوش خودشان در سنگ نوشته ها ایرانی، همه جا از اهورا مزدا یاد کرده اند.»^۲

«در اوستا دو نیروی عظیم و متضاد همیشه تظاهر می کنند. یکی نیروی نیکی به نام اسپنت مینو (خرد و معنای مقدس) و دیگری انگره مینو (خرد و معنای خبیث) که بعدها آن دو را به یزدان و اهریمن تعبیر کرده اند. بشر مختار است که از این دو نیرو یکی را برگزیند. اگر نیکی را اختیار کند مستوجب بهشت و اگر بدی را اختیار کند مستحق دوزخ خواهد بود. ... یک فرد زرتشتی در انتخاب این دو اصل آزاد و مختار بود و روی این فکر بزرگ خود را در طبیعت مختار و آزاد حس می کرد و از افکار جبری و صوفیانه احتراز می جست و می دانست که سعادت و شقاوت به دست خود اوست که می تواند خود را نیکبخت یا بدبخت سازد.»^۳

۱- بیات، عزیزا.. کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام، ص ۲۱۶

۲- جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، ص ۱۲۰

۳- مشکور، محمدجواد، ایران در عهد باستان، ص ۶۸

«از نظر زرتشت، کسانی متقی و پرهیزکار و به مراتب به خداوند نزدیک تر هستند که برای خشنودی آیین مزدا از منش و کردار نیک پیروی کنند. این پیروی البته برمبنای اختیار و آزادگی بشر در ساختی باز و پویا ممکن می شود.»^۱

برده داری که نوعی توهین به ساحت انسانی و نشانی از جور و استبداد است، در ایران باستان مشاهده نشده است چنانکه طبق گفته م. و. پیکو لوسکایا:

«سرگذشت غم انگیز بردگان در همه جای جهان روشن است. در یونان، بردگان را با زمین می خریدند، در مصر، در چین باستان، در اروپا و آمریکای امروز... و از آنجا که موج تازه اندیشه مارکسیستی برپایه اندیشه های همین کشورها پدید آمد، بی گمان شدند که در همه سرزمین ها و در میان همه مردمان جهان، برده داری رایج بوده است؛ اما با همه اینها تاریخ نگاران روسی که همه اندیشه های مارکسیستی کمونیستی را بر روی همه کشورهای درست می انگاشتند، در باره ایران به گواه های روشن و بی گمان در این باره [برده داری] برنخورده اند.»^۲

خردگرایی و توجه به علم و اندیشه

«در دین زرتشت از چیستا یعنی علم و معرفت سخن [به میان آمده، چنانکه] در فقره اول از یشت مذکور آمده است: درست ترین علم مزدا آفریده مقدس را ما می ستائیم که راه راست را نموده به سر منزل مقصود می رساند. در فقرات ۶ و ۷ آمده است: زرتشت علم را به واسطه پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک خویش بستود و از ثبات قدم ها و شنوایی گوش ها و قوت بازوان و صحت بدن و قوه بینایی درخواست نمود.»^۳

«در دین زرتشت، هستی، دانایی و خرد است، پس نیستی، نادانی و جهل است. شناخت، همانا نیروی سازنده و آبادگر است و نادانی فریب و ویرانگری ... [در آن دین]، انسان با معرفت به اصل نیکی و نور، انسان شد، با اختیار راه راستی را از چاه فریب باز

۱- صمدی، مهرانگیر، ماه در ایران، ص ۶۸

۲- پیکولوسکایا، م. و، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ص ۴۴

۳- فره وشی، بهرام، یشت ها، جلد ۱، ص ۲۵

شناخت. پس معرفت و شناسایی نه تنها ممکن، بلکه اولین معیار حق و مهمترین محک واقع سنجی است.»^۱

زرتشت به عنوان شخصیتی برجسته و مصلحی اجتماعی و دینی، همواره در تعالیم خود خردگرایی و اندیشه ورزی را به پیروان خود سفارش می کند. «بشنوید اینک سخنان را، با اندیشه روشن بنگرید، مرد و زن بایستی این چنین با خرد و اندیشه، راه خود را برگزینند.»^۲

«... آیین زرتشت، آیینی خردمندانه و پیشاهنگ است که از دیرزمان، با بزرگ دارندگی زندگی و سرور، بر بنیاد خرد و با پاس داشتن طبیعت و برقراری آشتی در گیتی و احترام گذاشتن به آزادی اندیشه و حق گزینش، راه زندگی در این جهان را به همه [جهانیان] و به ویژه رهروانی که جوینده حقیقت اند، می نماید تا با بهره گرفتن از این روش های خردمندانه، رازهای هستی را با دانایی بکشایند. با ژرف نگری در گفته های خود زرتشت، این باور ما بیش تر راست می نماید.»^۳

«پس باید هوشیار بود که هر بیانی با منش نیک و معرفت و آقع گرایانه اهورایی پروریده شود چه: آموزگار بد، گفتار را تباه می کند و با بدآموزی خویش، خرد زندگی را از اینکه با منش نیک توانگر گردد و ارج و شکوه یابد باز می دارد. پس مهمترین وظیفه کارکردی نظام تقسیم کار اجتماعی در جامعه ایده آل زرتشت آن است که به تربیت مربیانی نیکومنش بپردازد. بهترین چیزها، آموزش مرد پارسایی است که از روی دریافت و تیزهوشی باشد.»^۴

۱- تنهایی، حسین ابوالحسن، جامعه شناسی در ادیان، ص ۱۶۳

۲- تنهایی، حسین ابوالحسن، پیشین، ص ۱۵۷

۳- کاویانی، شیوا، رازواری در آیین زرتشت، ص ۴۱

۴- تنهایی، حسین ابوالحسن، همان، ص ۴۱

راستی و دروغ

در گائاه‌ها می‌خوانیم:

«پروردگارا پلیدی، دروغ و آن، کی از پهنه گیتی برانداخته خواهد شد؟ وسیله ای که موجب می‌گردد کربان‌های (برخی حکمرانان) سیه‌کار مردم را بفریبند و شه‌ریاران ستمگر با اندیشه‌های شوم بر کشورها حکومت کنند.»^۱

در سراسر گائاه‌ها، سخن از آباد کردن جهان و شاد کردن مردمان می‌رود و همه کوشش‌ها برای زندگی نیک می‌باید که به شادی مردمان انجامد. «... و اگر شادی و خوشی گیتی ندارد و بیم و سخن دروغ نیز با اوست، (چنین زندگی) از مرگ بدتر دانسته شده است.»^۲

«تمام آمال و آرزوی یک مزدیسنا کیش باید این باشد که به درجه اشویی برسد، یعنی راست و پاک باشد... انعکاس مندرجات اوستا در مذمت از دروغ در کتیبه خطوط میخی داریوش در بیستون (بهستان) و فارس نیز دیده می‌شود. شاهنشاه هخامنشی در کتیبه بیستون گوید: تو ای کسی که بعدها شاه خواهی شد مخصوصاً از دروغ بپرهیز اگر تو را نیز آرزوی آن است که مملکت من پایدار بماند هر که دروغ گفت او را بسزای سخت برسان ... شقی‌ترین مردمان کسی است که به صفت زشت در گونت یعنی دروغگویی متصف باشد.»^۳

در یسنا، هات ۱۱ و ۱۲ اوستا می‌خوانیم:

«راستی بهترین نیکی است.

کامروا باد راست، ناکام باد دروغ

برهان از ما کین کینور را، بگردان منش خشمگین را

من ایمان دارم به سخن نیک و خرد نیک.»^۴

۱- آذر گشسب، فیروز، گائاه‌ها یا سرودهای آسمانی اشوزرتشت، ص ۹۱

۲- مینوی خرد، ص ۲۹

۳- فره‌وشی، بهرام، پشت‌ها، صص ۲۲-۲۳

۴- کاویانی، شیوا، پیشین، ص ۴۵

و بالاخره اینکه یکی از دعا‌های مشهور زرتشت این بوده است که: اهورا مزدا، این سرزمین (ایران) را از گزند دشمن، خشکسالی، قحطی و دروغ محفوظ نگه دارد.

حمایت از کودکان

در دین زرتشت، کودکان دارای حق و حقوقی برگردن والدینشان می باشند. این در حالی است که در جهان امروز، کودکان خصوصاً در کشورهای فقیر، از حقوق خود محرومند، آنان به انحاء مختلف مورد ظلم و ستم قرار می گیرند. در بسیاری از اماکن، کودکان مورد آزار و اذیت جسمی و روحی قرار می گیرند. از آموزش محرومند و به کار گماشته می شوند! و جای بسی تعجب است که در جهان متمدن کنونی از کودکان نیز بهره های جنسی (سوء استفاده های جنسی) به عمل می آید!! این در حالی است که: «با روش ایرانی، چون پدر و مادر در کارهای فرزندان انبازند، می باید که همواره کارهای ایشان را زیر نگرش داشته باشند و دمامد گوشزد به انجام کار نیک کنند. [چنانکه] در نیکاتوم سنگ یا بخش پانزدهم اوستای گم شده از خویشکار پدر در پرورش فرزند و آموزش و پرورش به هنگام یاد شده است.»^۱

جای بسی شگفتی است که زرتشتیان حتی به فرزندان نامشروع به دیده بد نمی نگریسته اند و به نگهداری و توجه به آنان تا سن بلوغ توصیه می کرده اند! «... و از فرزندان ناخواسته می باید تا زمان بلوغ نگهداری شود، و این فرمان زمانی در ایران روان بوده است که در همه فرهنگ های دیگر، اینگونه فرزندان را «حرام زاده» می خوانند؛ باز آنکه آن کودکان برای هستی خود گناهی نکرده بودند! اگر پدر و مادر آنان، دور از فرمان دین با هم آمیخته بودند، خود آنان به فرمان یزدان، پیکر و جان و نیرو می گیرند و بنابراین، در فرهنگ ایرانی نام چنین کودکان را «خداداد» می نهادند.»^۲

۱- جنیدی، فریدون، پیشین، ص ۱۱۷

۲- جنیدی، فریدون، پیشین، ص ۷۰

ازدواج، تشکیل خانواده و گرامیداشت تن و پوشش آن

در کیش زرتشت نیز نظیر اکثر ادیان، زناشویی امری مستحسن به شمار می رود و داشتن فرزندان برازنده و برومند از افتخارات بزرگ محسوب می شود، چنانکه در بند ۴۷ از فرگرد چهارم وندیداد چنین آمده است:

«هرآینه من مرد زن دار را از کسی که بی زن باشد برتر می دانم و مرد خانه دار را از بی خانه و مرد فرزند دار را از مرد بی فرزند ... [و در فرگرد ۴۸ وندیداد سخن چنین دنبال شده است]، بدان روی که مرد زن و فرزند دار برای به دست آوردن روزی می کوشد و کشاورزی و دامداری و دیگر کارها می کند و جهان از کار او آبادان می شود.»^۱

در دین زرتشت، تن آدمی دارای ارزش والایی است و بر این اساس به پوشش برازنده آن توصیه شده است.

چون تن جایگاه جان و روان نگهبان آن است، می باید که آن را گرمی داشت و در بیشتر نوشته های باستانی آمده است که در کارها می باید نخست به تن و آنگاه به روان رسید. چنانکه «در ایران باستان، پوشش پیکر برای گرمی داشت آن امری مهم به شمار می رفته است. سنگ نگاره های آشوری و بابلی نشان می دهند که حتی کارگران و سازندگان ساختمان ها در آن دو دیار برهنه بوده اند و یونانیان باستان نیز با خدایان دروغین شان همه برهنه به سر می برده اند. پیکرهای بودا در هندوستان نیمه برهنه نشان داده می شد و برهنگی و نمایش اندام های تن، تا آنجا رسید که پس از روایی اندیشه مانی، برای مبارزه با آن و بازگشت به آیین باستان در استان «مادیا پرادش» معبدی به نام خواجه راثو» برای نشان دادن هزار گونه آمیزش مرد و زن در هندوستان ساخته شد. اما در این میان، ایرانیان، نه تنها برهنه نشدند که به پوشیدن اندام خویش سر بلند بودند! چنانکه در اشعار شاعران پرآوازه ادوار کهن می خوانیم:

برهنه ندیده تنم آفتاب

منیزه منم دخت افراسیاب

یا

نبیند همی، مرغ و ماهی مرا

تورا ام اکنون گر بخواهی مرا

و یا

سیه دیدگان: پر از شرم باد

رخانت هماره پرآزم باد»^۱

توجه به کارگر و حقوق او

در ایران باستان، کارگران به صورت برده مورد تمسخر و بهره برداری قرار نمی گرفتند. «...بدان هنگام که در یونان. شهریاران و آزادگان دارای دهها، صدها و هزاران برده بودند که از خود هیچ اختیاری نداشتند و نماینده اندیشه یونانی، ارستو، کارگر را ابزاری جاندار می خواند چنانکه ابزار، کارگری بی جان است! برای ساختن تخت جمشید، کارگران و استادکاران همگی مزد دریافت می کردند و اسناد دستمزد آنان بر روی لوحه های گلین پیدا شده است که افزودن بر مزد، همه هفته چندی گوشت و شراب نیز دریافت می کرده اند و از همه برتر آنکه کار زنان باردار کمتر از دیگران بوده و از ماه هفتم بارداری تا شش ماهگی فرزند، مزد بدون انجام کار بدانان داده می شده است.»^۲

حقوق زنان

در کیش زرتشت، زن دارای مقام و جایگاه بسیار والایی است. در یسناها ۳۵ بند ۳ چنین آمده است:

«ما همه فروهران و روان های زنان و مردان پارسا و راست را می ستائیم... کلمه بانو در اصل «ریتا باغیانو» است که پرتو الهی معنی می دهد. مقام و اعتباری که زرتشت برای زن در نظر گرفته بسیار جالب است، زیرا در دنیای قدیم همه جا نسبت به زن مانند برده و کنیز رفتار می شد. حتی در رم که متمدنی ترین کشور اروپا بود، زن حق مرد دانسته می شد، به این معنا که مرد حق داشت هر طور که صلاح بداند با زن رفتار کند و می توانست زن خود را به عنوان کنیزی بفروشد ولی زرتشت، دریافت که تحقیر زن که در

۱- جنیدی، فریدون، پیشین، صص ۱۴۷-۱۴۴

۲- جنیدی، فریدون، پیشین، ص ۹۷

واقع یک بال دیگر وجود انسان است، عملی زشت و نابخردانه است، لذا برای زن و مرد حقوقی مساوی یکدیگر قائل شد.^۱

«...آنجا که در اوستا راجع به زن و مرد می باشد، متضمن برابری حقوق است.. گفتنی است که در اوستا، همه جا نام زن و مرد در یک ردیف ذکر شده و در کارهای دینی که زنان باید انجام دهند و دعاهایی که باید بخوانند، زن با مرد برابر شمرده شده است و حتی در صورتی که موبد حاضر نبود، ممکن بود زن به مقام قضا برسد و نیز در تاریخ می بینیم که زنانی مانند همای و پورانداخت و آرمیدخت به مقام پادشاهی رسیده اند.»^۲

اصلاحات و تغییرات اجتماعی

مبادی روش شناختی نظام اندیشه ای زرتشت، شناخت را شدنی و انسان را ناگزیر از شناخت برشمرده و پس از آن او را توانا در دگرگونیدن جهان از بدی به سوی نور و پاکی می داند. بدینگونه، شناخت شناسی زرتشت آنگونه بینشی است که حرکت و جنبش را اصولی و میعادگاه تلاش در رسیدن به خوبی ها، پیروزی قلمداد می کند. بنابراین به پیروان راستین خود سفارش می کند که همیشه بایستی به عنوان کنشگران نیک منش، آمادگی تحول و دگرگونیدن خود را داشته باشند.

«... زرتشت معتقد است که هر شهروندی ناگزیر از اطاعت و فرمانبرداری [از] رهبری جامعه است ولی بنیان پویا نگرانه دیدگاه وی، شرطی را نیز از لوازم این فرایند اطاعت بر می شمارد و آن نیک منش بودن پادشاه است. بدین ترتیب مردم و یا به تعبیر ما طبقه محکوم، در برابر پادشاه ناصالح به ناگزیر بایستی در جدالی قطبی و روشن درگیر شوند، خواه این جدل قطبی در شکلی اصلاح گرایانه و آرام رخ دهد و خواه به شکلی تند و انقلابی ... [نیز] در آیین زرتشت. یکی از شرایط ساختاری لازم جهت رشد یک جامعه سلام، از بین بردن تمرکز قدرت و ثروت است که در انحصار طبقه حاکم و نماینده های آنها در آن روزگار است و مانند کوی ها، گرهماها و بندوها، زرتشت به روشنی می داند که دلیل ناتوانی مردم، تمرکز قدرت و ثروت در طبقه حاکم است که نه تنها ضعف را در طبقه محکوم

۱- رضایی، عبدالعظیم، اصل و نسب دین های ایران باستان، ص ۱۹۰

۲- علوی، هدایت ا... زن در ایران باستان، ص ۹

تشدید نموده است بلکه سبب فریب و تحریف انگیزه های حقیقی و نیروهای واقعی مردم می شوند و بر این اساس پایه های اشراف سالاری خود را تقویت می کنند. ... ای مزدا، آگاهم که این ناکامیابی ها را سبب چیست. خواسته و گله و رمه ام اندک است. چون پیشوایان، امیران دروغ زن با خواسته و دارائی شان مردم را می فریبند و با نیرو و توانشان آنها را می ترسانند.»^۱

«... نفرین توای مزاد به کسانی که از راستی گریزانند و ... حکومت آنان به دروغ مایل است. ... هیچ یک از شما نباید به سخنان و حکم دروغ پرست گوش دهد، زیرا که او خان و مان و مال و شهر و ده را دچار احتیاج و فساد می سازد. پس با سلاح، او را از خودتان برانید... [در دین زرتشت] تحرک اجتماعی در میان لایه های اجتماعی می تواند به شکل های افقی (Horizontal)، عمودی (Vertical) یا هر دو دیده شود. بنابراین ساخت نظام اجتماعی زرتشت، نشانگر خصلت های جامعه باز (Open Society) را متجلی می سازد.»^۲

در مجموع، جامعه سالم از دیدگاه زرتشت، جامعه ای است که در آن، قدرت و ثروت تعدیل شده، نظام جامعه بسته قدیمی متلاشی شده و جامعه ای مبتنی بر پایگاه اجتماعی براساس کردار، گفتار و پندار نیک به جای قومیت گرایی شکل گیرد.

نفی جنگ، کشتار و ویرانی و ایجاد امنیت برای همگان

یسنای، دین مزدیسنا را دینی می نماید که دشمن جنگ و جنگ افزار است:

«می استوارم به دین مزدیسنا که مخالف جنگ و به کنار گذارنده جنگ افزار و پیونددهنده جهانیان است.»^۳

در مینوی خرد می خوانیم:

«... آن سرزمین بدتر است که با نیکی و ایمنی و آسایش در آن نتوان زیست... داریوش در سنگ نوشته خود، امنیت همگانی را در پرتو راستی فراهم می بیند ... داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی بود، از دروغ سخت بپرهیز، مرد دروغگو را نیک

۱- تنهایی، حسین ابوالحسن، پیشین، صص ۱۶۹-۱۶۸

۲- تنهایی، حسین ابوالحسن، پیشین، ص ۱۶۸

۳- فره وشی، بهرام، پیشین، ص ۱۸۸

گوشمالی کن، اگر چنین می‌اندیشی: کشور من در امان باشد ... و نیز: آیین من که از آن بیم دارند، چنان است که توانا، ناتوان را نزند و نشکند.^۱

جریان انوشیروان و کفشدوز و اینکه یک کفشگر چندان درم داشته که هنگام نیاز به شاه پیشکش کرده و شاه آن را مصادر نکرده و بازگردانده است، خود از امنیت شغلی و اجتماعی و امنیت در برابر کار گزاران دولت سخن می‌گوید.

تعالیم زرتشت در بعد اقتصاد توسعه

یکی دیگر از ابعاد توسعه پایدار، بعد اقتصادی آن است. در این بعد، مقولات متعددی مورد بررسی قرار می‌گیرد. «زرتشت (نیز) مبنای اقتصادی نوینی را طرح ریزی می‌کند (به طوری که) امروزه همه در این باره متفق القولند که زرتشت سیستم اقتصادی خود را در دورانی که گروهی از آریائی‌ها از کوچ نشینی به صورت تخته قاپو در می‌آمدند، پیشنهاد نموده است. گروه مزبور از گله چرانی به صورت بیلاق و قشلاق به دامپروری در نقاط محصور و معین می‌پرداختند.»^۲ ملاحظه می‌شود که در دین مذکور، فعالیت اقتصادی و توجه به امور معیشتی مردم دارای اهمیت خاصی بوده است.

اهمیت کار و کوشش در دین زرتشت

اهمیت کار و کوشش در نزد زرتشت تا جایی است که وی هدف از خلقت انسان را کار و تلاش می‌داند.

«در کارکردن خوش بینی و فرصت برای رشد و تکامل نهفته است. انسان برای این به دنیا آمده است تا به کارهای مثمر ثمر بپردازد و جهان را آبادان سازد.»^۳

در یشت‌ها آمده است: «برخلاف ادیان سامی، مزدیسنا از زندگانی مجلل روگردان نیست. زندگانی نیک و شریف است. جهان و آنچه در آن است مقدس است. خوشی و خرمی از برای نوع بشر موهبت ایزدی است، از آنها نباید خود را محروم ساخت. فقر و مسکنت

۱- جنیدی، فریدون، پیشین، ص ۱۵۱

۲- معین، محمد، پیشین، ص ۲

۳- تنهایی، حسین ابوالحسن، پیشین، ص ۱۵۷

کرده اهریمنی است. به امید پاداش اخروی چشم از نعم دنیوی نباید پوشید. پریشانی و ذلت در این جهان سرمایه آبرو و اعتبار از برای جهان دیگر نخواهد شد. در روز واپسین مزد به کسی بخشیده خواهد شد که از پرتوی کوشش خویش زمین را آباد و مردم را شاد می سازد.^۱

«در دین زرتشت بر کار و کوشش تأکید شده ... [در این دین] انسان عملاً برای تحقق اهداف اهورامزدا می باید کار کند. بعضی از این کارها که بر آن تأکید شده چنین است:

- حفر قنوات، کاشتن و آبیاری کردن زمین

- پروردن دامها و طیور

- از بین بردن موجودات موزی و از بیخ کردن علف های هرز و ...

- برای خانه و جامعه مفید بودن. به طور کلی در دین زرتشت، زهد، ترک دنیا و تن پروری وجود ندارد.»^۲

«...من همواره با دیو تنبلی ستیزه خواهم کرد، زیرا بیکاری و کاهلی ما را نظار و رنجور می سازد. در مینوی خرد پرسش ۱ باب ۲ بندهای ۲۹-۳۰ چنین آمده:

کاهلی را از خود دور دار وگرنه تو را از کردار نیک دور خواهد داشت. در باره کار و کوشش و فواید زراعت در وندیداد فرگرد ۳ بند ۳۱ و فرگرد ۴ بند ۲۸ و ۲۹ چنین گفته شده: کسی که تخم زراعت می پاشد، اشویی می کارد و در ترویج کیش مزدا می کوشد، پاداش چنین کسی با صد دعا و عبادت یکسان و از هزار بار ادای مراسم مذهبی و صد هزار قربانی نیکوتر خواهد بود.»^۳

۱- فره وشی، بهرام، پیشین، ص ۱۷

۲- آریا، غلامعلی، پیشین، ص ۹۳

۳- رضایی، عبدالعظیم، پیشین، ص ۱۹۵

دامداری و کشاورزی

«درخت کاری و کشاورزی از عبادت ها و «کردار نیک» آیین مزدیسنا است. یکی از سه پسر زرتشت به نام «ارتدتر» نخستین پیشوای برزگران است. کشت و پرورش و نگه داری گیاه گوشتی در جهت خرسندی امرداد، فرشته و ایزد گیاهان است.»^۱

«در کتاب های دین زرتشتیان به همه جانوران اهلی چارپا گفته می شود و بر دو دسته اند. چارپایان بزرگ شامل شتر و اسب و گاو و خر که ستور گویند و چارپایان کوچک مانند: بز و گوسفند که آنها را «انومیه» نامند... تیمار کردن، پروردن و خوش رفتاری با چهارپایان و جانوران سودمند دارای پاداش نیک است. تیمار و پرورش چهارپایان سودمند هرچند هم اندک باشد مانند کشتن جانوران موذی دارای پاداش است، حتی اگر گناهکاری در عذاب باشد بار عذاب او را کم می کند. دیدم روان مردی بیکاره که همه تن او خرفستر همی جود و پای راست او نمی جود. گفتند او هرگز هیچ کار نیک نکرد و یک بار به این پای راست، دسته گیاه پیش گاو افکنده بود.»^۲

بررسی آثار و نوشته های دوران زرتشت همگی بیانگر اهمیتی است که در این دین به امور کشاورزی و دامداری داده می شده است. همچنین در دین زرتشت، حیواناتی چون گاو و گوسفند نزد آنان بسیار عزیز و مورد احترام بوده و از زارعین نیز به نیکی یاد شده است.

تعالیم زرتشت در بعد محیطی توسعه

بشر ابتدایی برای طبیعت و نیروهای حاکم بر آن از جمله باد، آب و آتش اهمیت زیادی قائل بوده، به گونه ای که این نیروها مورد ستایش او واقع می شدند. در واقع، تا مدت های مدید، انسان خود را فرزند طبیعت دانسته و با طبیعت بود. اما با گذشت زمان و به اصطلاح متمدن شدن می بینیم که رابطه بشر با طبیعت برهم خورده و او سعی می کند بر عناصر طبیعت غلبه نماید، بر این مبناست که در حال حاضر شاهد نابودی محیط زیست می باشیم؛ و از طرف دیگر می بینیم هرروزه دامنه تفکرات و اعمال گروه های طرفدار محیط

۱- روح الامینی، محمود، نموده های فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، ص ۷۹

۲- روح الامینی، محمود، پیشین، ص ۹۲

زیست افزایش می یابد. نگاهی به تعالیم زرتشت در رابطه با طبیعت و عناصر آن همگی حکایت از این دارد که این دین باستانی برای طبیعت و عناصر آن اهمیت زیادی قائل بوده است.

بزرگداشت نیروهای طبیعی

«در ایران باستان، آب اهمیت به سزایی داشته چنانکه برای پاک نگاه داشتن آب روان، بستن پل بر روی جوی ها از جمله کارهای نیک به شمار می رفته است.»^۱

«می ستاییم آب را ... مقدسی که افزاینده جهان است. مقدسی که افزاینده گله و رمه است ... که نطفه مردان را پاک می کند، که زهدان همه زنان را برای بارور بودن پاک می کند، که همه زنان را شیر خوب و به هنگام می بخشد.»^۲

در یشت ها آمده است: «همه آب ها را می ستاییم، همه گیاه ها را می ستاییم ... به کوههایی که از بالای آنها آب جاری موجود است، درود می فرستیم و به دریاچه ها و استخرها درود می فرستیم و به مزارع گندم سود بخش درود می فرستیم ... او به راستی به صورت اسب مقدسی آید. او از آب، امواج را برانگیزد و باد وزیدن آغاز کند ... زیبا و صلح بخش به سوی ممالک آید، تا آنکه از سال خوب بهره مند شوند.»^۳

«هرودت می نویسد که ایرانیان به خورشید و ماه و زمین و آتش و آب و باد ستایش نموده برای آنها فدیة و نیاز می آورند ... آب دریاچه ارومیه با آن که بسیار تلخ و شور بوده در نزد زرتشتیان مقدس بوده چه بسا در اوستا به اسم چنچست از آن یاد شده است.»^۴

۱- داعی الاسلام، سیدمحمدعلی، وندیداد، ص ۱۲۲

۲- آذر گشسب، اردشیر، خرده اوستا، ص ۱۰۹

۳- فره وشی، بهرام، یشت ها ۲. ۱ صص ۲۴۳-۷۵

۴- فره وشی، بهرام، یشت ها ۱ صص ۱۶۱-۱۶۰

حقوق حیوانات و گیاهان

در پِسِنَا آمده است: «همه جانوران آبی و زیرزمینی و پرنده و رونده و چرنده را می ستاییم ... درود بر چارپایان، سخن خوش از برای چارپایان، پیروزی از برای چارپایان، خوراک از برای چارپایان، چراگاه از برای چارپایان، کشت و ورز از برای چارپایان که از برای خورش ما بپرورد.»^۱

در دین زرتشت سوزاندن چوب و هیزم تر گناه به حساب می آید: «برای گرم کردن تنور و اجاق، چه بسا درختانی را که از ریشه خشک نشده، بریده و می سوزانند که زیانی عمده به آبادانی است. سوزاندن چوب و هیزم تر گناه بود. چون چوب تر را بسوزانند، از آن قطره های آب فرو چکد و این آب ها جمع شده و در جهان دیگر شکوه نماید: پس آتش اورمزد، ایزد آذر گفت، که بیا تا آن دریای آب و هیزم تر که بر من نهادی، به تو نشان دهم. جایی فراز برد و دریای بزرگ آب کبود را به من نشان داد و گفت این آن آبست که از هیزمی که تو بر من نهادی بچکد... کسانی که گاو را با گرسنگی و تشنگی بکار گمارند و از خوراک آنها غافل باشند، یا عمدأ به آنها خوراک ندهند، پادافراه سنگین دارند.»^۲

محیط زیست

در اندیشه زرتشتیان محیط زیست، اجزاء و عناصر آن دارای اهمیت زیاد بوده و در خور احترام.

«من آیینی را باور دارم که به آب ها، به گیاهان و به چارپایان خوب ارج می گذارد. آیینی را که می گوید: اهورا مزدا چارپایان و مردان پاک را آفرید.»^۳

پاکیزه نگه داشتن آب و آتش و خاک از دستورات دینی زرتشتیان است. به گفته ویراف: در بهشت دیدم روان زنانی بسیار نیک اندیش، بسیار نیک گفتار، بسیار نیک کردار، با پوششی آراسته به زر و سیم و گوهر که شوی به سر دارند، گفتند این روان آن زنان

۱- جنیدی، فریدون، پیشین، صص ۱۲۵-۱۲۳

۲- تنهایی، حسین ابوالحسن، پیشین، ص ۱۶۳

۳- تنهایی، حسین ابوالحسن، پیشین، ص ۱۶۳

است که به گیتی آب و آتش و زمین و گیاه و گاو و گوسفند و همه آفریدگان نیک اورمزد را خوشنود کردند و کسانی که آب را آلوده کنند در دوزخ پادافراه سخت دارند.»^۱

«جشن ها در آیین زرتشت اهمیت خاصی داشت. از جمله در جشن تیرگان آب به یکدیگر می پاشیدند و این کار را در حکم آلودن آب هم تلقی نمی کردند. جشن سده که پنجاه روز پیش از نوروز برگزار می گردید، به پیدایش نیایش آتش مربوط می شد. ... کثرت انواع این جشن ها ... به هر حال در اصل با حوادث طبیعی ارتباط داشت و حاکی از روح شاد خواری و خوش بینی کم مانندی بود که در آیین مزدیسنا وجود داشت.»^۲

نسل های آینده

و چون به اینجا می رسیم، اهمیت زمان برای جهان آینده روشن می شود که در آن می باید همچون جان جهان، بی درنگ، بکوشیم تا جهانیان آینده در آسایش باشند، چنان که پیشینیان برای ما کوشیدند و جهان پاک را برای ما ارزانی داشتند.

«ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین به فروهرهای همه پاکان؛ آنان که مرده اند و آن پاکانی که زنده اند و آنان که هنوز زاییده نشده اند.»^۳

۱- روح الامین، محمود، پیشین، ص ۷۹

۲- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران ... ص ۴۹۲

۳- فره وشی، بهرام، پیشین، ص ۷۹

نتیجه گیری

زرتشت پیامبر باستانی ایرانیان، نخستین کسی بود که وظیفه و رسالت اصلاح امور اجتماعی را به عهده داشته و بدین رو با جهاد و جنگ درونی و بیرونی، علم حق را در برابر کفر می افراشت. وی بیشتر می اندیشید و تلاش می کرد تا راهی شایسته برای رفاه و آسایش مردمان بیابد. اندیشه اش به امور بس بزرگتر و انسانی تری مشغول بود. او در جستجوی یک آسمان نو، یک زمین نو و یک انسان نو بود که در ابتدا و آغازش، راستی و درستی حکمفرما باشد.

جنگ و خونریزی، بدخیمی مردمان، بدی ها و زشتی های فراوان، ناله محرومان و مجروحان و زجر بینوایان، روح او را آزرده می ساخت. بر آن شد تا راهی بیابد که درد و رنج را تخفیف دهد، مردم را به جای انهدام و ویرانی، به سازندگی و آبادانی و زیبایی رهنمون شود. زشتی و پلیدی را فرو افکند و راستی و درستی و نیکی را رایج کند.

بررسی تعالیم زرتشت و انطباق آنها با اصول و الزامات توسعه پایدار که واژه مصطلح در ادبیات معاصر است، حاکی از آنست که تعالیم وی عالی ترین و پخته ترین شیوه فرهنگ اخلاقی است. وی مبانی دینی و معتقدات کیش خود را با اصول اخلاقی و منطقی ای ارائه می دهد و آیینی را عرضه می نماید که در تمامی دوران ها ارزش خاص خود را دارد. او با صراحت اعلام می کند که تنها، اعمال، گفتار و اندیشه های نیک است که می تواند جوابگوی نیازمندی های اخلاق باشد و زندگی را متعادل و انسان را به توسعه ای پایدار رهنمون شود.

منابع

- اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۱
- آریا، غلامعلی، آشنایی با تاریخ ایران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- آذرگشسب، فیروز، گائها یا سرودهای آسمانی اشوزرتشت، تهران، ۱۳۶۱
- آذر گشسب، اردشیر، خرده اوستا، تهران، ۱۳۵۸
- بیات، عزیزاله، کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم، ۱۳۶۸
- جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، تهران، انتشارات بلخ، چاپ اول، ۱۳۷۸
- تنهایی، حسین ابوالحسن، جامعه شناسی در ادیان انتشارات بهاباد یزد، ۱۳۷۳
- فره وشی، بهرام، پشت ها جلد ۱ و ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۶
- قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه اول جلد اول، تهران، چاپ دوم، نشرنی، ۱۳۷۲
- رضایی، عبدالعظیم، اصل و نسب دین های ایرانیان باستان، تهران، انتشارات طلوع آزادی، ۱۳۶۸
- روح الامینی، محمود، نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران، انتشارات آکه، چاپ سوم، ۱۳۷۹
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، ایران قبل از اسلام جلد یکم، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۱
- علوی، هدایت اله، زن در ایران باستان، سرگذشت و مقام زن در ایران باستان، انتشارات هیرمند، چاپ اول، ۱۳۷۷
- کاویانی، شیوا، رازداری در آیین زرتشت، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۳
- پسنا جلد اول، جزوی از نامه مینوی اوستا، گزارش پور داود، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶
- داعی الاسلام، سیدمحمدعلی، وندیدان، شرکت دانش، چاپ دوم، ۱۳۶۱
- صمدی، مهرانگیز، ماه در ایران از قدیمی ترین ایام تا ظهور اسلام، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۵۴
- مشکور، محمدجواد، ایران در عهد باستان، (در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام)، تهران، انتشارات اشرافی، چاپ ششم، ۱۳۶۹
- م و پیکولوسکا یا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۶۳
- معین، محمد، زرتشت، دانشگاه آزاد ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۵

منابع انگلیسی

- Attfield Robin and wilkins Barry, international justice and the third world, London, Routledge, 1992.
- Gustave, Esteva, Remaks Made at a Conference of the society for international development, Rome, Milan university press, 1985.
- Wced, our common future, oxford, university press, 1987.